

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اقتصاد و مدیریت

پایان نامه برای کسب درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی

عنوان:

اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی، شواهدی از کشورهای عضو اوپک و ایران

استاد راهنمای اول:

دکتر حسن حیدری

استاد راهنمای دوم:

دکتر سهیلا پروین

نگارش:

محمد فاضلی

زمستان ۱۳۸۸

۱۳۸۸/۲/۸

روز اعلامات بازار ملی بزرگ  
تبریز

۱۳۸۹۰۰

حق چاپ برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.



دانشکده اقتصاد و مدیریت

پایان نامه آقای/خانم محمد صالح به شماره دانشجویی ۸۶۲۰۲۱۰۰۸ با عنوان «  
 اثر تابعیت بر رشد اقتصادی»  
 مورث پذیرش هیأت  
 شماره ۸۶۱۲۲۳ به تاریخ ۸۶/۱۲/۲۳  
 محترم داوران با رتبه بی شرف و نمره هفتاد و هفت (۱۷۷/۵) قرار گرفت.

امضاء	نام و نام خانوادگی	کمیته دفاع
	دکتر حسین وفاعی	(۱) استاد راهنما و رئیس هیأت داوران
	دکتر امیرحسین وفاعی	(۲) استاد راهنمای دوم
	دکتر امیرحسین وفاعی	(۳) داور خارجی
	دکتر امیرحسین وفاعی	(۴) داور داخلی
	دکتر امیرحسین وفاعی	(۵) نماینده تحصیلات تکمیلی

حق چاپ و نشر مطالب این پایان نامه  
 در دسترس سایر دانشجوین قرار نمی‌گیرد.

پدرم و مادرم به پاس تمام زحماتشان

و تقدیم به همسر

چکیده:

رسیدن به رشد اقتصادی مناسب یکی از اهداف مهم هر کشور است. دولتها بعنوان یکی از بخشهای تاثیرگذار اقتصادی نقش مهمی را در دست‌یابی به این هدف ایفا می‌نمایند. مطالعات تئوریک و تجربی صورت گرفته در کشورهای مختلف جهان جهت تبیین رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی، به نتیجه واحدی نرسیده‌اند. نتایج برخی از این مطالعات وجود رابطه مثبت و یا منفی بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را نشان می‌دهند درحالیکه، برخی، به عدم وجود رابطه بین این دو متغیر و برخی دیگر از مطالعات نیز به وجود هر سه حالت ممکن در شرایط مختلف اقتصادی رسیده‌اند. در این رساله، رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی، با استفاده از داده‌های ۶ کشور عضو اوپک حاشیه خلیج فارس (ایران، بحرین، کویت، قطر، عربستان، امارات متحده عربی) طی دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۷ بررسی شده است. نتایج بدست آمده با استفاده از الگوی پانل نشان می‌دهد که اندازه دولت اثر منفی و سرمایه‌گذاری، نیروی کار و صادرات اثر مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی دارد.

فصل اول: مخارج دولت و رشد اقتصادی (شواهدی از کشورهای عضو اوپک).....	۱
۱-۱ مقدمه .....	۲
۲-۱ تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق .....	۳
۳-۱ ضرورت و اهمیت انجام تحقیق .....	۳
۴-۱ اهداف تحقیق .....	۴
۵-۱ فرضیات تحقیق .....	۴
۶-۱ تعریف اصطلاحات و واژگان کلیدی .....	۵
فصل دوم: پیشینه تحقیق .....	۷
۱-۲ مقدمه .....	۸
۲-۲ دیدگاههای نظری در مورد نقش اقتصادی دولت .....	۸
۳-۲ مدل‌های رشد نئوکلاسیکی و درونزا و کینزی .....	۱۰
۴-۲ مدل‌های تئوریک ارائه شده .....	۱۳
۵-۲ فعالیتهای انجام شده در کشورهای خارجی .....	۲۷
۶-۲ مطالعات انجام شده در ایران .....	۴۴
۷-۲ جمع بندی .....	۴۸
فصل سوم: مبانی نظری الگو .....	۵۵
۱-۳ مقدمه .....	۵۶
۲-۳ تصریح مدل .....	۵۷
۳-۳ الگوی پانل .....	۵۹
۴-۳ آزمونهای الگوی پانل .....	۶۳
۵-۳ جمعبندی .....	۶۸

۷۰	فصل چهارم: نتایج تجربی
۷۱	۱-۴ مقدمه
۷۲	۲-۴ شرایط اقتصادی کشورهای مورد بررسی
۷۳	۳-۴ آزمون پایایی متغیرها
۷۶	۴-۴ مدل‌های تجربی
۷۷	۵-۴ تفسیر ضرایب
۸۰	۶-۴ آزمون هاسمن
۸۱	۷-۴ آزمون ریشه واحد برای اجزای اخلاص
۸۳	۶-۴ جمع بندی
۸۶	فصل پنجم: نتیجه گیری
۸۷	۱-۵ مقدمه
۸۷	۲-۵ نتیجه گیری
۹۰	۴-۵ پیشنهادات
۹۱	پیوستها

#### فهرست جدولها و نمودارها

۲۰	نمودار (۱-۲) رابطه میان رشد تولید و نرخ مالیات در مدل بارو
۴۹	جدول (۲-۲) خلاصه تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی
۷۲	جدول (۱-۴)، شمایی کلی از شرایط اقتصادی کشورهای مورد بررسی
۷۴	جدول (۲-۴) نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرها
۷۶	جدول (۳-۴) نتایج تخمین مدل‌های تجربی
۸۰	جدول (۴-۴) آزمون هاسمن



جدول (۴-۵) آزمون پایایی اجزای اخلاص.....	۸۱
جدول (۴-۶) آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص.....	۸۳
منابع فارسی.....	۱۱۰
منابع انگلیسی.....	۱۱۱

## فصل اول

### مخارج دولت و رشد اقتصادی

(شواهدی از کشورهای عضو اوپک)

۱-۱ مقدمه

۲-۱ بیان مسئله

۳-۱ ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

۴-۱ اهداف تحقیق

۵-۱ فرضیات تحقیق

۶-۱ تعریف اصطلاحات و واژگان کلیدی

تأثیر فعالیتهای دولت بر رشد اقتصادی مقوله ای است که در حوزه اقتصاد ادبیات گسترده ای را به خود اختصاص داده است اگر چه اندازه دولت بر رشد، موضوعی است که در الگوهای اولیه رشد مورد توجه قرار نگرفته، اما همواره مورد بحث اقتصاد دانان بوده است و در دو بعد تئوریک و تجربی مطالعات بعضاً متناقضی در مورد آن وجود دارد. از یک طرف در اکثر مطالعات انجام شده، اثر هزینه های دولت بر رشد اقتصادی منفی برآورد شده است، از طرفی دیگر نمی توان از وظایف مهم دولت در موارد مختلف از جمله، شکست بازار و ارائه کالاهای عمومی و ... چشم پوشی کرد. در نتیجه انجام مطالعات تئوریک و تجربی بیشتری جهت بررسی فعالیتهای اقتصادی دولت بر رشد اقتصادی ضروری به نظر می رسد.

در اقتصاد کلاسیک با فرض وجود انعطاف پذیری قیمت، دستمزد و نرخ بهره و در شرایط عدم دخالت دولت، اقتصاد در تعادل اشتغال کامل قرار می گیرد.<sup>۱</sup> ولی رویکرد مدل‌های جدید رشد به مقوله دولت و اثر گذاری آن بر رشد اقتصادی بسیار متفاوت از گذشته است. در مدل‌های نئوکلاسیک، رشد اقتصادی بلند مدت از سیاست‌های دولت تأثیر نمی پذیرد و سیاست‌های دولت تنها بر سطح تعادل پایدار و رشد در مرحله گذار و کوتاه مدت اثر می گذارند. اما در مدل‌های رشد درونزا، ایده و دانش موتور رشد است و این دو کالای عمومی هستند. لذا دولت با تعیین حقوق مالکیت و طرح گسترش مراکز تحقیق و توسعه می تواند رشد اقتصادی را سرعت بخشد. مدل های متعددی برای توضیح رشد بلند مدت مطرح شده اند که عوامل تعیین کننده رشد و نقش دولت در آن ها متفاوت می باشد. در تمامی این مدل‌ها، دولت می تواند بر رشد اقتصادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثر گذارد. مانند مدل رشد رام (۱۹۸۶)<sup>۲</sup> که در آن دولت با اثرات خارجی مثبتی که بر تولیدات بخش خصوصی دارد، باعث افزایش تولید بصورت غیر مستقیم می شود. همچنین در مدل آنامان مخارج دولت بصورت مستقیم بر تولید ناخالص داخلی تأثیر می گذارد.

<sup>۱</sup> فریدون تفضلی، (۱۳۷۸).

<sup>۲</sup> Ram, R, 1986.

با توجه به اینکه در کشور ایران، اخیراً مسئله تعدیل اقتصادی، تعدیل ابعاد فعالیت های اقتصادی دولت و خصوصی سازی شرکت های دولتی و همینطور دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر در راس برنامه های دولت قرار گرفته است، ضروری است با نگرش علمی، موضوع دولت و تاثیر آن روی رشد اقتصادی مورد مطالعه قرار گیرد تا ابعاد مختلف قضیه برای حصول نتیجه مطلوب مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱-۲ تعریف مسأله و بیان اصلی تحقیق:

رشد اقتصادی یکی از اهداف مهم در هر کشور می باشد. دولت بعنوان یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی هر کشور و بعنوان هدایت کننده برنامه های هر کشور می تواند نقش مهمی را در رسیدن به این هدف مهم ایفا نماید. اندازه دولت و فعالینهایش می تواند اثر مثبت و منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد، بعنوان مثال، دولت از طریق انجام فعالیتهای با کارایی پایین و یا ناکارا، بار اضافی مالیاتی و مداخله در بازار آزاد، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.<sup>۱</sup> همچنین، دولت می تواند از طریق جبران شکست بازار، توسعه قوانین حقوقی و مالکیت و اثرات خارجی مثبت فعالیتهایش، بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته باشد.<sup>۲</sup> جهت تبیین رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی مطالعات تئوری و تجربی بسیاری صورت گرفته ولی این مطالعات به یک نتیجه واحد نرسیده اند. علت این امر می تواند، ناشی از تفاوت در مدل های ارائه شده، تفاوت در مدل تئوریک که برای انجام تحقیقات تجربی انتخاب شده اند، تفاوت در دوره های زمانی که برای آزمون مدل تئوریک مورد استفاده قرار گرفته، خصوصیات محیطی و اقتصادی متفاوت کشورهایی که مورد بررسی قرار گرفته اند و ... باشد.

#### ۱-۳ ضرورت و اهمیت انجام تحقیق :

در مورد بررسی اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی مطالعات تئوریک فراوانی صورت گرفته است که به یک نتیجه واحد نرسیده اند. همچنین، برای آزمون نمودن مدل های تئوریک نیز مطالعات تجربی فراوانی نیز صورت گرفته است که این مطالعات تجربی نیز به یک نتیجه واحد نرسیده اند. برخی از این مطالعات به وجود رابطه منفی بین اندازه دولت و رشد

<sup>1</sup> Barro, R, (1991) and Bajo-Rubio, (2000).

<sup>2</sup> Anaman, A, (2004).

اقتصادی رسیده‌اند، دلایل احتمالی این نتیجه می‌تواند در ناکارایی برخی از فعالیتهای دولت، بار اضافی مالیاتی و مداخله در بازار آزاد باشد. برخی دیگر از مطالعات تجربی نیز به وجود رابطه مثبت بین دو متغیر مورد نظر رسیده‌اند، علل احتمالی وجود چنین رابطه‌ای نیز می‌تواند در توسعه ساختار حقوقی، زیر ساخت‌های مورد نیاز در رشد و توسعه اقتصادی و مداخله برای جبران شکست بازار باشد. بعلاوه، برخی از مطالعات نیز، به عدم وجود رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی رسیدند، علت احتمالی این نتیجه را نیز می‌توان در برابری دو اثر منفی و مثبت دانست. همانطوری که مشاهده می‌شود تناقض در نتایج مطالعات تجربی نیز به چشم می‌خورد. این نتایج متفاوت در کشورهای مختلف و دوره‌های زمانی متفاوت بر این موضوع تاکید می‌کند که نمی‌توان یک قانون کلی و همیشگی برای رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی در تمام کشورها و برای تمامی دوره‌های زمانی ارائه نمود. بعلاوه، وجود مطالعات تئوریک و تجربی فراوان صورت گرفته و نتایج متناقض بدست آمده، لزوم تحقیقات بیشتر در زمینه رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی را تاکید می‌نماید.

با توجه به اینکه دولت بخاطر درآمدهای نفتی یک نقش مهم در اقتصاد کشورهای نفتی دارد، بررسی ارتباط بین اندازه دولت و رشد اقتصادی از دیدگاه‌های مختلف، مدل‌های متفاوت و دوره‌های زمانی متفاوت و ... اهمیت فوق العاده‌ای پیدا می‌کند.

#### ۴-۱ اهداف تحقیق

از آنجا که درآمدهای نفتی یکی از مهمترین دلایل بزرگ شدن سهم دولت در اقتصاد می‌باشد، در این مطالعه شش کشور عضو اوپک برای بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. ویژگی مشترک آنها وجود درآمدهای نفتی است اما ساختار اقتصادی و ابعاد اقتصاد هر یک متفاوت است. بنابراین مطالعه مقایسه‌ای اندازه دولت که متاثر از درآمدهای نفتی است، می‌تواند نقش آن را در رشد اقتصادی بهتر روشن نماید.

#### ۵-۱ فرضیات تحقیق

فروض تحقیق عبارتند از :

۱) بین رشد اقتصادی و مخارج دولت رابطه وجود دارد.

۲) رابطه بین رشد اقتصادی و مخارج دولت در برخی از کشورهای عضو اوپک غیر همسو است.

۳) رابطه مخارج دولت و رشد اقتصادی در ایران همسو است.

### ۱-۶-۱ تعریف اصطلاحات و واژگان کلیدی

۱-۶-۱ دولت:

درباره دولت تعاریف زیادی وجود دارد اما یکی از کاملترین آنها که توسط مک آیور در کتاب «دولت جدید» پیشنهاد شده است عبارتست از: «دولت سازمانی است، با ویژگی های خاصی که تصمیمات خود را توسط حکومتی که دارای قوه قهریه است از کانال قانون به انجام می رساند و در قلمرو داخل مسئول حفظ امنیت و در سطح جهانی مسئول و مجری خواسته های مردم می باشد».

۱-۶-۲ اندازه دولت :

معیارهای متعددی برای اندازه گیری نقش دولت بکار گرفته می شود. برخی از این متغیر ها عبارتند از: مخارج کلی دولت، سهم مخارج کلی دولت از GDP، مخارج مصرفی دولت، سهم مخارج مصرفی دولت از GDP، درآمدهای مالیات دولت، درآمدهای شرکتهای دولتی و ... . در این مطالعه، سهم مخارج کلی دولت از GDP بعنوان اندازه دولت استفاده می شود.

۱-۶-۳ رشد اقتصادی:

رشد اقتصادی محصول کارکرد کلیه عوامل اقتصادی در یک جامعه است. رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت ثابت) از شاخصهای معروف رشد اقتصادی می باشند که در این تحقیق نیز از شاخص رشد تولید ناخالص داخلی (به قیمت های ثابت ۱۹۹۰) استفاده می نمایم.

۱-۶-۴ پانل دیتا:

داده های اقتصادی که ترکیبی از داده های سری زمانی و مقطعی باشد داده های پانل گویند. در این تحقیق اثر مخارج دولت، نرخ رشد GDP، نرخ رشد نیروی کار، نرخ رشد صادرات، نرخ رشد سرمایه را برای ۶ کشور بررسی خواهیم نمود.

بطور کلی ساختار این رساله به صورت زیر می باشد:

فصل دوم به بیان پیشینه تحقیق (بصورت تئوریک و تجربی) می پردازد. در فصل سوم متغیرهای مورد استفاده، ابزارها و روش استفاده شده و الگوهای بکار رفته معرفی می شوند. فصل چهارم به آزمون تجربی و تخمین مدل می پردازد و در فصل پنجم، نتیجه گیری، پیشنهادات ارائه شده است.

## فصل دوم

### پیشینه تحقیق

۱-۲ مقدمه

۲-۲ دیدگاههای نظری در مورد نقش اقتصادی دولت

۳-۲ مدل‌های رشد نئوکلاسیکی و درونزا و کینزی

۴-۲ مدل‌های تئوریک ارائه شده

۵-۲ فعالیتهای انجام شده در کشورهای خارجی

۶-۲ فعالیتهای انجام شده در ایران

۷-۲ جمع بندی



دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی در هر کشور بشمار می‌رود که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در رشد اقتصادی، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. همچنین، فعالیتهای دولت می‌تواند بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد، اثرات مثبت و منفی داشته باشد. نقش دولت در قالب وضع قوانین، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای تولید را فراهم می‌نماید. همچنین، افزایش نیش از حد اندازه و دخالت دولت در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری<sup>۱</sup> اثر منفی داشته باشد.<sup>۲</sup> نظریه‌های مختلفی در زمینه نقش فعالیتهای دولت در اقتصاد مطرح شده است. کلاسیکها و نئوکلاسیکها بر عدم دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی تاکید می‌نمایند و یکی از شرایط تعادل مطلوب بازار را عدم دخالت دولت در بازار می‌داند، در مقابل کینز به دخالت دولت برای بازگرداندن اقتصادی به تعادل مطلوب تاکید دارد. مدل‌های توریک گوناگونی برای بیان اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ارائه شده است، ولی به یک نتیجه واحد نرسیده‌اند، برخی از این مطالعات توریک به رابطه مثبت و یا منفی بین اندازه دولت و رشد اقتصادی تاکید دارند، برخی نیز به عدم وجود رابطه بین دو متغیر اعتقاد دارند، برخی این مطالعات نیز به وجود هر سه حالت در شرایط مختلف اقتصادی تاکید دارند. مطالعات تجربی بسیاری نیز برای آزمون نمودن مدل‌های توریک، در کشورهای مختلف و در دوره‌های زمانی متفاوت صورت گرفته است، اما مطالعات تجربی صورت گرفته نیز، به یک نتیجه واحد نرسیده‌اند. علت نتیجه‌گیریهای متفاوت می‌تواند متناسب به حجم فعالیتهای دولت، ویژگیهای مکانیسم اقتصادی و ... در کشورهای متفاوت باشد. در این فصل ابتدا به بررسی مدل‌های توریک ارائه شده در زمینه اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی می‌پردازیم، سپس به مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه پرداخته و در انتها، مطالب فصل را خلاصه و نتیجه‌گیری می‌نماییم.

## ۲-۲ دیدگاههای نظری در مورد نقش اقتصادی دولت

<sup>1</sup> Crowding Out

<sup>2</sup> Primoz Pevcin, 2004.

در بیان اثر فعالیتهای دولت در اقتصاد نظریه‌های مختلفی وجود دارد. براساس نظریه نئوکلاسیکها و همچنین، کلاسیکها مکانیسم بازار به نحوی عمل می‌نماید که بازارهای کار، سرمایه و کالا را در صورت عدم دخالت دولت در تعادل قرار می‌دهد. در اندیشه نئوکلاسیکها اشتغال کامل و تعادل از یکدیگر جدا نیستند، شرط لازم برای تعادل اشتغال کامل، انعطاف پذیری قیمت، دستمزد و نرخ بهره می‌باشد که با مکانیسم بازار ایجاد می‌شود، بعبارت دیگر با فرض اینکه رقابت کامل در بازار کالا، بازار کار، بازار پس‌انداز و سرمایه حاکم باشد، در نظام بازار، مکانیسم طبیعی طوری عمل می‌کند که تولید ملی در سطح اشتغال کامل عوامل تولید قرار می‌گیرد و در آن پایدار می‌ماند، در این حالت اقتصاد در تعادل قرار می‌گیرد. به این ترتیب، در اقتصاد نئوکلاسیک اعتقادی به بیکاری غیراختیاری<sup>۱</sup> وجود ندارد و بیکاری اختیاری زمانی بوجود می‌آید که افرادی از روی خواست خود دست از کار می‌کشند. از دید پیگو<sup>۲</sup> بیکاری موجود در دهه ۱۹۳۰ ناشی از بالا بودن دستمزدهای واقعی است و داروی آن نیز عدم دخالت دولت در بازار کار و تعیین دستمزد می‌باشد تا اقتصاد بتواند با مکانیسم خودکار رقابت کامل، بطور آزاد و بدون وجود مانع، موجبات برقراری تعادل اشتغال کامل را فراهم سازد.<sup>۳</sup>

اقتصاددانان کلاسیک نیز معتقدند که عرضه تقاضای خود را می‌سازد و با فرض وجود رقابت کامل در سه بازار کار، کالا و سرمایه، در اقتصاد مازاد عرضه وجود نخواهد داشت و بازارها در تعادل اشتغال کامل قرار دارند. آدام اسمیت که پایه گذار مکتب کلاسیک است بر این باور بود که، وجود رقابت آزاد در بازار و آزادی کسب و کار باعث می‌شود که با افزایش سود هر بنگاه، سود جامعه نیز بالا رود. شرایطی که برای آن لازم است رقابت کامل در بازارها و عدم دخالت دولت در بازار است. ژان باتیست سه از اقتصاددانان کلاسیک بر این باور بود که تعادل عرضه و تقاضا خودبخود در شرایط رقابت آزاد و بدون احتیاج به دخالت دولت تامین می‌شود و برای دولت وظایف اقتصادی قائل نبود.

کینز اولین کسی بود که در چارچوب چرخه‌های تجاری، برای دولت نقش اقتصادی در نظر گرفت. از دیدگاه کینز هرگاه نظام سرمایه داری بحال خود رها شود و دولت بر آن کنترل و نظارت ننماید، معمولاً در این سیستم تعادل، در حدی

<sup>۱</sup> involuntary unemployment

<sup>۲</sup> Pigou, A, 1933.

<sup>۳</sup> فریدون، تفضلی، ۱۳۷۸.

پایین تر از اشتغال کامل قرار می‌گیرد و رکود اقتصادی بوجود می‌آید. وی معتقد است که با تنظیم متغیرها می‌توان تعادل در اشتغال کامل را ایجاد کرد. همچنین، معتقد است که چسبندگی دستمزدها که نتیجه رشد اتحادیه‌های کارگری است، احتمال تعادلی پایتتر از اشتغال کامل را بوجود آورده است. ساخت بازار در نظام سرمایه داری هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی تغییر یافته و بنگاههای اقتصادی هرکدام قیمت خود را در حدی تعیین می‌کنند که از قیمت رقابتی بیشتر باشد. وی معتقد است که بحران‌های شدید اقتصادی دو قرن اخیر بویژه در دهه ۱۹۳۰ میلادی در ایالات متحده و سرایت آن به قاره اروپا نشان می‌دهد که نظام سرمایه داری در بطن خود نوسان به همراه دارد. کمبود تقاضای موثر و در نتیجه کمبود تولید، ضعف قدرت خرید و بیکاری، نشانه‌های عدم خودکار بودن بازارها در سیستم سرمایه داری است. از اینرو تنظیم تقاضا در چنین شرایطی را لازم می‌داند. از دیدگاه مدل کینزی، مخارج دولت می‌تواند بر رشد اقتصادی موثر باشد. بعنوان مثال، افزایش مخارج دولت می‌تواند از طریق ضرب فزاینده تقاضای کل، بر عملکرد اقتصادی اثر داشته باشد.<sup>۱</sup> بنابراین در شرایطی که تعادل پایتتر از تعادل اشتغال کامل قرار می‌گیرد، تحریکات تقاضای کل (از طریق مخارج مصرفی و یا مخارج دولت) می‌تواند شرایط تعادلی را بازگرداند. بدین ترتیب، نظریه‌هایی که برای تبیین رشد اقتصادی طرح شدند را می‌توان به دو گروه کلی تفکیک کرد، اول: الگوهایی که با تاکید بر سمت عرضه اقتصاد شرایط تعادل در اشتغال کامل را قابل دسترس می‌دانند. دوم: نظریاتی که نقش تقاضا را هم در تحریک رشد اقتصادی موثر فرض می‌کنند.

### ۳-۲ مدل‌های رشد نئوکلاسیکی و درونزا و کینزی

در الگوهای رشد نئوکلاسیکی بر انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی تاکید شده است و در این مدلها، رشد اقتصادی از طریق افزایش نیروی کار، افزایش در موجودی سرمایه و افزایش بهره‌وری عوامل تولید، حاصل می‌شود. افزایش سرمایه در این مدلها به دو قسمت افزایش در سرمایه فیزیکی و انسانی تقسیم می‌شود. سرمایه فیزیکی، تولید را به دلیل افزایش بهره‌وری نیروی کار، بصورت مستقیم افزایش می‌دهد. با پیشرفت تکنولوژی سرمایه انسانی نیز می‌تواند در بهبود رشد اقتصادی موثر باشد. در مدل‌های رشد نئوکلاسیک، رشد درآمد سرانه در تعادل پایدار، به مقدار رشد تکنولوژی وابسته

<sup>۱</sup> فریدون تفضلی، ۱۳۷۸.

است، رشد تکنولوژی در این مدلها برونزا فرض شده است. در نتیجه، رشد اقتصادی در این مدلها از سیاستهای سمت عرضه (بهبود سرمایه فیزیکی، انسانی و تکنولوژی) تاثیر می‌پذیرد و دولت در رشد اقتصادی نقشی ندارد. ضعف عمده این مدلها این است که رشد اقتصادی را به پیشرفت فنی و تکنولوژی وابسته می‌دانند، درحالیکه، پیشرفت فنی و تکنولوژی در مدل برونزاست.

نقص های موجود در مدلهای رشد نئوکلاسیکی سبب شد که مدل های رشد به سمت مدلهای رشد درونزا هدایت شود. برای مثال می‌توان به مدل های ارائه شده توسط رومر (۱۹۸۶)<sup>۱</sup> و لوکاس (۱۹۸۸)<sup>۲</sup> اشاره کرد. در این دسته از مدلها، نه فقط رشد در مرحله گذار درونزاست بلکه، نرخ رشد بلند مدت نیز درونزا می‌باشد. تمایز ویژه مدلهای رشد درونزا با مدلهای رشد نئوکلاسیکی، در نقشی است که در این مدلها برای دانش فنی قائل هستند. در مدلهای رشد نئوکلاسیکی، دانش بعنوان یک کالای عمومی محسوب نمی‌شود و تجهیز دانش در این مدلها به گونه ای است که دولت در تعیین آن (نظیر پرداخت سوبسید برای تشویق در جهت سرمایه گذاری در فعالیتهای توسعه و تحقیق و یا تعریف قوانین مالکیت) نقشی ایفا نمی‌کند، اما در مدلهای رشد درونزا، پایه تحلیل‌ها بر این مبنا استوار است که، ایده و دانش موتور رشد می‌باشد و این دو، کالاهای عمومی هستند که محدودیت پذیر نیستند و درجه منع پذیری آنها متفاوت می‌باشد در نتیجه، دولت باید در فراهم کردن آن اقدام نماید و با تبیین حقوق مالکیت و طرح و گسترش مراکز تحقیق و توسعه رشد اقتصادی را سرعت بخشد.<sup>۳</sup>

مدلهای رشد کینزی مدلهایی هستند که بر طرف تقاضا و سیاستهای طرف تقاضا تاکید دارند. همانطوری که عنوان شد از دیدگاه کینز هرگاه نظام سرمایه داری بحال خود رها شود و دولت بر آن کنترل و نظارت ننماید، معمولا در این سیستم تعادل، در حدی پایین‌تر از اشتغال کامل قرار می‌گیرد و رکود اقتصادی بوجود می‌آید. مدلهای کینزی بر این عقیده‌اند که در زمان رکود اقتصادی دولت می‌تواند با اعمال سیاستهای پولی و مالی تقاضای کل را افزایش داده و در نتیجه تعادل را به اشتغال کامل برساند. بعنوان مثال، در حالتی که سطح تولید در سطحی کمتر از اشتغال کامل باشد دولت می‌تواند با

<sup>1</sup> Romer, P, (1986).

<sup>2</sup> Locus, R, (1988).

<sup>3</sup> Romer, D, (1996).